

دکتر خسرو فرشید ورد
از گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی
نقد شعر فارسی

تکامل و انحطاط تشبیه در شعر حافظ

۱. تکامل تشبیه در شعر حافظ

زقنی تشبیهات مکرر در شبکه جادویی سخن حافظ برار میگیرد و رنگ ابتدال و کهنگی خود را از دست میدهد. بطوریکه هر کس می‌پندارد این تشبیهات برای نخستین بار بوسیله حافظ ابداع شده و در زبان فارسی رایج گردیده است. فصاحت و بلاغت و ژرفی اندیشه و آرایش تشبیه با صنایع ادبی و موسیقی الفاظ از عوامل زیبایی تشبیهات و استعارات حافظ است. این عوامل تشبیهات بدیع و نامکرر را الماس وار جلوه میدهد و تشبیهات مکرر را تکامل می‌بخشد و رنگ کهنگی را از رخسار آنها می‌زداید. پس علل و اسبابی که موجب زیبایی تشبیهات در عین حال علل تکامل تشبیهات مکرر نیز هستند.

علاوه بر اینها ممکنست شاعر در تشبیهات مبتدل^۱ تصرفاتی بعمل بیاورد و آنها را غریب و بدیع سازد از قبیل بقید کردن مشبه و مشبه به و استعاره به امور دیگر. بقید کردن مشبه یا مشبه به یا استعاره در شعر حافظ از عوامل مهم تکامل تشبیه است مانند تبدیل «دختر رز» و «نرگس» به «دختر گلچهر رز» و «نرگس

برخواب مست» در این شعرها:

به نیمشب اگر آفتاب می‌باید ز روی دختر گلچهر رز نقاب انداز ۱۷۸
بگشا به شیوه نرگس بر خواب مست را وز رشک چشم نرگس رعنا به خواب کن ۲۷۲

حافظ بعضی از تشبیهات و تعبیرات خام دیگران را در برونه طبع خویش می‌ریزد و چون پخته شد و تراش خورد مانند گردن بندی گرانها به گردن شعر فارسی می‌آویزد، این جهد و کوشش در جهت تکامل تشبیهات و تعبیرات شاعرانه گاهی مکرر میشود و به تدریج صورت می‌گیرد باین معنی که او تشبیه را می‌گیرد و اندک اندک آنرا کامل میکند بطوریکه اینگونه تعبیرات و تشبیهات در بعضی از اشعار او هنوز خام بنظر میرسد و چنان می‌نماید که باز به مرحله کمال و پختگی نرسیده و چنانکه باید حافظانه نشده است و برای رسیدن به حد اعلای زیبایی باید در بیت‌های دیگر قرار گیرد تا تعبیری چنانکه حافظ می‌خواهد خلق شود. ما در اینجا میر تکاملی «و تعبیر «بهار توبه شکن» و «حراب ابرو» را در شعر فارسی و غزلیات حافظ بررسی می‌کنیم تا به افسونکاری حافظ در تکامل تشبیهات و استعارات بیشتر پی ببریم.

تعبیر نخست را که در شعر رود کی هم آمده من در دیوان حافظ دو بار دیده‌ام اینک تراش خوردن این تعبیر را از شعر رود کی تا شعر حافظ بترتیب و بتدریج می‌بینیم:

آمد این نو بهار توبه شکن بر نیان گشت باغ وریز و کون

(رود کی من در دیوان حافظ رجب سال ۱۰۵۰)

بهار گل‌طوب انگیز گشت توبه شکن
بشاد روی گل میخ هم زدل بر کن
(حافظ ۱۰۳۷)

بد عزم توبه سحر گفتم استخوان کنم
بهار توبه شکن می‌رسد چه چاره کنم
(حافظ من ۱۰۳۸)

که زیبایی و پختگی تعبیر در بیت دوم به (ب) بیت شعر نرسید زیرا در بیت

آخر است که تعبیر زیبای «بهار توبه‌شکن» باطنز روزانه حافظ توأم شده است و جلوه حقیقی خود را باز یافته است و به جاودانگی پیوسته است و پیرایه‌ای برگردن شعر پارسی گردیده است.

اینک تشبیه ابرو به محراب را که چندین بار در شعر حافظ آمده است از نظر شدت وضعف زیبایی آن مورد مطالعه قرار می‌دهیم. ابتدا باین نتیجه می‌رسیم که وی این تشبیه را گاهی خامتر و گاهی عالیتر بکار برده است مثلاً در دو مورد مشابه را با «چون» به مشبه به ربط داده است:

حافظا سجده به ابروی چو محرابش بر که دعائی ز سر صدق جز آنجا نکنی . ۳۴۰
گر بینم خم ابروی چو محرابش باز سجده شکر کنم وز بی شکرانه روم ۳۴۸
و می‌دانیم تشبیه‌ی که با ادات تشبیه باشد ضعیف‌تر از تشبیه بی ادات است در سه مورد نیز این تشبیه را به صورت اضافه تشبیه‌ی آورده است:

می‌ترسم از خرابی ایمان که می‌برد محراب ابروی تو حضور نماز من ۲۷۶
محراب ابرویت بنما تا سحرگهی دست دعا بر آرم و در گردن آرست ۴۳
پس از چندین شکیبائی شمی بارب توان دیدن

که شمع دیده افروزیم در محراب ابرویت ۴۶
که البته اضافه تشبیه‌ی از اقسام قوی تشبیه است. در بی‌تی که خواهد آمد تشبیه با پسوند «ای» که از ادات تشبیه نیز هست صورت گرفته و بنابراین تشبیه چندان قوی نیست: *ز مال جامع علوم انسانی*
نساز در خم آن ابروان محرابی کسی کند که بخون جگر طهارت کرد ۵۰
در چند مورد نیز این تشبیه جزء تشبیهات اسنادی و تأکید است و با عینیت و تناسب تشبیه توأم است و در نتیجه قویتر از موارد یاد شده است:

بجز ابروی تو محراب دل حافظ نیست طاعت غیر تو در مذهب ما نتوان کرد ۹۳
در مسجد و میخانه خیالت اگر آید محراب و کمانچه زد و ابروی تو سازم ۲۲۹
تو کافر دل نمی‌بندی نقاب زلف می‌ترسم که محرابم بگرداند خم آن دلستان ابرو ۲۸۰

در صومعه زاهد و در خلوت صوفی جز گوشه ابروی تو محراب دعانیت ۹۹
حافظ ار در گوشه محراب سی نالدرواست ای نصیحت گو خدا را آن خم ابرو بین ۲۷۸
حافظ ارمیل به ابروی تو دارد شاید جای در گوشه محراب کنند اهل کلام ۲۱۱

در دو بیتی که خواهد آمد تشبیه ابرو به محراب غیر مستقیم است و با ابهام
تناسب توأمست و همین موجب شده است که تشبیه محراب به ابرو به زیباترین
صورت خود درآید و حافظانه و طنزآور جلوه گر شود:

در نماز خم ابروی تو با یاد آمد حالتی رفت که محراب بفریاد آمد ۱۱۷
ابروی یار در نظر و خرقه سوخته جامی بیاد گوشه محراب میزدم ۲۱۸

اگر ابیاتی که تشبیه در آنها قوت بیشتری دارد پیش از ابیاتی که تشبیهها-
تشان کم رنگ و ضعیف سروده شده باشند باید اقرار کرد که تشبیه سیر تکاملی نداشته
است بلکه سیر انحطاطی و قهقرائی را پیموده است و کشف این امر چون تاریخ
سرودن اشعار حافظ روشن نیست محالست. مثلاً معلوم نیست بیت‌هایی که در آخر
نقل کردیم و تشبیهاتشان قویتر است زودتر گفته شده است و یا بیت‌هایی که در ابتدای
مقال آوردیم.

اینک چند مثال دیگر از تشبیهات کهنه و مکرری که در شعر حافظ بوسیله
افسونکاریهای این شاعر سحرآفرین تکامل یافته و رنگ زیبایی و تازگی بخود گرفته
است و شاعر آنها را با ایهام تناسب و تأکید و اغراق و ریزه کاریهای دیگر درخشانده
و زیبا ساخته است:

تشبیه قامت به سرو:

قامتش را سرو گفتم سر کشید از من بخشم

دوستان از راست می رنجد نگارم چون کنم

تشبیه لب به لعل:

چو چشمش مست را مخمور مگذار بیاد لعلش ای ساقی بده می ۳۰۰

تشبیه کلالة به مشک:

آن نافه مراد که می‌خواستیم ز بخت
تشبیه عاشق به شمع:

کسی بوصل تو چون شمع یافت پروانه
تشبیه طبع به آب:

حافظ از مشرب قسمت گله نا انصافیست
تشبیه زلف به مشک ختن:

از خطا گفتم شبی زلف تو را مشک ختن
تشبیه لب به لعل:

باده لعل لبش کز لب من دور مباد
تشبیه کوی معشوق به بهشت و تشبیه روی معشوق به روی حور:

ای قصه بهشت ز کویت حکایتی
شرح جمال حور ز رویت روایتی ۳۰۴

تشبیه لب به آب خضر:

انفاس عیسی از لب لعلت لطیفه‌ای
آب خضر ز نوش لبانت کنایتی ۳۰۴

چنانکه دیده می‌شود در اکثر بیت‌های یاد شده تشبیه با انسجام یا ایهام
تناسب توأمست و عامل تکامل تشبیه در شعر حافظ نیز بیشتر این دو صنعت هستند

۱ - انحطاط تشبیه در شعر حافظ

در شعر حافظ بندرت تشبیهات گم‌رنگ و ضعیف نیز هست تشبیهاتی که در
آثار پیش از حافظ قوی‌تر و زیباتر بکار رفته است مانند نقاش ازل در شعر خیام و
نقاش قدرت در شعر حافظ:

هر چند که رنگ و روی زیباست مرا
چون لاله رخ و چو سرو بالاست مرا

معلوم نشد که در طریخانه خاک
نقاش ازل بهره‌آراست مرا

بر آن نقاش قدرت آفرین باد
که گرد مه کشد خط هلالی ۳۲۶

ولی در بیتی که خواهد آمد شاعر خدا را به نگارنده غیب تشبیه کرده است
که در آن زیبایی و لطف بیشتری دیده می‌شود:

ساقیا جام سیم ده که نگارنده غیب نیست معلوم که در پرده اسرارچه کرده و فردوسی خورشید را به کسی که درفش و علمی در دست دارد تشبیه کرده و حافظ هم چنین تشبیهی را آورده است با این تفاوت که در شاهنامه این تشبیه مناسب با محیط حماسی و جنگی است در حالی که در شعر حافظ این تشبیه در محیطی عشقی بکار رفته و در نتیجه درخشش تشبیه فردوسی را ندارد:

چو خورشید تابان برآرد درفش درخشان کند روی چرخ بنفش

(شاهنامه بروخیم ۱۳۰۲)

برافروخت از کوه زرین درفش نگونسار شد پرنیسانی بنفش

(شاهنامه بروخیم ص ۹۸۹)

سحرچون خسرو خاور علم بر کوهساران زد

به دست مرحمت یارم در اسپدواران زد

(حافظ ص ۱۰۴)

از اینجا روشن میشود که آنجا که حافظ خواسته است به قلمرو تشبیهات و مضامین خیام یا فردوسی دست اندازی کند کامروا نبوده است. از اینرو اینگونه تشبیهات رزمی یا بعضی از تشبیهات مربوط به رازآفرینش بیشتر در شعر او سیر انحطاطی و قهقرائی داشته اند.

حافظ تشبیهات تکراری را با خیال افسون ساز خود زیبا کرده است ولسی گاهی هم چنین نشده است و تشبیهات باربزه کاریهایی که خواجه معمولاً در اینگونه موارد انجام میدهد توأم نگردیده و در آنجا است که شاعر از شیوه خاص خود دور شده است. در این موارد حافظ به سعدی نزدیک گردیده اما هرگز به او نرسیده است زیرا حافظ هنگامی در پایگاه برتری قرار دارد که خود حافظ باشد نه آنجا که از دیگران پیروی میکند همانطور که در مورد خیام و فردوسی هم این امر بنظر رسید. اینک چند مثال برای تشبیهات کمرنگ و غیره حافظانه خواجه:

ای لب‌ت چون خلد ولعت سلسبیل سلسبیلت کرده جان و دل سبیل
 دل من در هوای روی فرخ بود آشفته همچون سوی فرخ
 بجز هندوی زلفش هیچکس نیست که برخوردار شد از روی فرخ

وتاحدی چنین است تشبیهات حافظ در این غزلها:

توئی که بر سرخوبان کشوری چون تاج سزد اگر همه دلبران دهندت باج ۶۷
 گل بی رخ یار خوش نباشد بی باده بهار خوش نباشد

که باز شاعر در آنها از شیوه خود دور شده و به طرز سعدی و دیگران گرائیده است. ضمناً باید دانست حتی افسونکاریهای حافظ هم نمیتواند غبار کهنگی و ابتذال را بکلی و یکبار از چهره تشبیهات تکراری بزدايد. تشبیهاتی از قبیل لب لعل و قد سرو و سنبل زلف و....

گاهی اجتماع تشبیهات و صنعت پردازیهها سخن حافظ را سنگین می کند و این همانجائی است که شیوه او به سبک هندی نزدیک می شود:

سزد کز خاتم لعلش ز نم لاف سلیمانی چو اسم اعظم باشد چه بالك از اهرمن دارد
 سواد لوح بینش را عزیز از بهر آن دارم که جان را نسخه ای باشد ز لوح خال هندویت

که در ایات یاد شده تنابع اضافات و اجتماع تشبیهات و ایهامات، فهم سخن را مشکل کرده است.

پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

دیوان حافظ تصحیح قزوینی و دکتر غنی

نقد شعر فارسی از نگارنده این سطور، چاپ وحید، ۱۳۵۰

رودکی گردآورده دکتر خطیب رهبر چاپ ۱۳۴۲

شاهنامه چاپ بروخیم جلد ۴ و ۶۹

حواشی

- ۱- در کتابهای معانی و بیان یکی از این تصرفات تبدیل تشبیه به تشبیه مشروط و تفضیل ذکر شده است که به تعبیر ما تشبیه مشروط و تفضیل هر دو از اقسام تشبیهات ترجیحی و اغراقی هستند و دیگر تبدیل تشبیه است به تشبیه مضممر (مطول ص ۲۸۴ و هنجارگفتار ص ۱۷۶ و دقائق الشعر ص ۳۷ چاپ دانشگاه تهران سال ۱۳۴۱) نگارنده به اینگونه تشبیهات در شعر حافظ و شاعران بزرگ دیگر فارسی برنخورده است بنابراین تشبیه مضممر را نمیتوان از اقسام زیبا و مهم تشبیه شعرد زیرا اگر چنین بود در شعرهای خوب فارسی از جمله در شعر حافظ هم بکار میرفت
- ۱- عدهائی که در این مقاله پس از اشعار یا تشبیهات و استعارات دیده می شود شماره صفحه ایست از حافظ قزوینی که تشبیه یا شعر مورد بحث در آن آمده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی